

چرا کاری کند ایران
که بار آرد ویرانی؟

نویسنده: سید حسیب مصلح بیسواد

۱۴ جنوری ۲۰۱۹

ملبورن - استرالیا

در طی چهار سال گذشته هیچگاه رسانه های افغانستان اعلان نکردند که در کدام جنگ چند دهشت افکن طالب توسط نیروهای امنیتی رژیم ع و غ دستگیر و زندانی شده اند. اما در طی شش ماه گذشته گزارش های شگفت انگیزی در باره تسلیم شدن نیروهای داعش به نیروهای امنیتی افغانستان رسانه پی شده است. تازه دیروز هم بی بی سی اعلان کرد که چهل تن از نیروهای داعش در ولایت بادغیس پس از کشته شدن دو تن از افراد آن گروه مخوف توسط نیروهای امنیتی افغانستان اسیر شده اند!

پرسش های مهم این است که چرا در طی چهار سال گذشته هیچگاه خبر تسلیم شدن یا اسیر گرفتن دهشت افکنان طالب و داعش مطرح و رسانه پی نشده، و اما در چند ماه اخیر گزارش های از تسلیم شدن و اسیر گرفتن تعداد زیادی از افراد مربوط به گروهک دهشت افکن داعش رسانه پی می گردد؟

چرا داعشی ها به نیروهای رژیم ع و غ تسلیم می شوند؟

چرا نیروهای نظامی و امنیتی رژیم ع و غ مانع از بین رفتن داعشی ها در افغانستان هستند و آنان را از نابود شدن به دست طالبان نجات می دهند؟

چرا طالبان به جای جنگ با اشغالگران خارجی علیه داعشی ها در افغانستان می جنگند؟

چرا امریکا به رژیم دست نشانده اش در کابل اجازه می دهد که افراد داعش را از معرض نابودی در جنگ با طالبان نجات دهند؟

یک افسر بلند رتبه وزارت امور داخله رژیم ع و غ به این قلم افشا کرد که در طی چهار سال گذشته نیروهای نظامی افغانستان اجازه دستگیری یا اسیر گرفتن طالبان را نداشتند، و برعکس این افراد خود ارتش و قوت های امنیتی افغانستان هستند که دسته دسته به صفوف دهشت افکنان طالب تسلیم می شوند. اکثر افسران پشتون تبار ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان حاضر به جنگ علیه طالبان نیستند، و حتی با آنان ارتباطات تنگاتنگ برقرار کرده اند. همچنین دول امریکا، اسرائیل و بریتانیا مخالف کشتن افراد داعش و طالبان در افغانستان هستند. به این تازگی ها فقط شخص رییس جمهور امریکا خواهان واگذاشتن گروهک های دهشت افکن طالب و داعش به حال خود شان شده است و از نیروهای امریکایی خواسته که به هیچوجه جلو جنگ بین داعش و طالبان را سد نشوند و بگذارند آنان همدیگر را نابود کنند! اما برخلاف خواست رییس جمهور امریکا، نیروهای نظامی رژیم ع و غ در ولایت بادغیس به دفاع و جهت نجات افراد گروهک دهشت افکن داعش وارد میدان جنگ شده و نگذاشته اند که طالبان داعشی ها را در یک جنگ سرنوشت ساز نابود کنند!

گزارش دیگر از کابل حاکی از آن است که امریکا فعالیت های را در میدان های هوایی شیندند و قندهار آغاز کرده و بیشتر از یک کندک از تکاوران اسرائیلی در این دو میدان هوایی زیر نام نیروهای ناتو مستقر شده اند. نیروهای امریکایی و اسرائیلی انواع سلاح های سنگین و موشک های زمین به هوا را در ذخیره خانه های میدان هوایی شیندند جاسازی کرده اند. حتی امریکایی ها در شمال غرب هرات با همکاری اسرائیلی به یک سلسله فعالیت های جهت کسب اطلاعات در باره ایران مشغول هستند. هدف امریکا و اسرائیل بدون هیچ شکی حمله سنگین زمین، هوایی و دریایی بالای ایران است. امریکا در طی همین سال میلادی همه نیروهای خود را از سوریه خارج می کند. بر اساس توافق بین

امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی، نیروهای آمریکایی پس از حمله نظامی بالای ایران و از بین بردن دولت آن کشور قرار است از افغانستان بیرون شوند و در قلمرو ایران اشغال شده پایگاه های خود را مستقر سازند. به بیان دیگر، امریکا قرار است با از بین بردن رژیم ایران و اشغال نظامی آن کشور و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده در تهران، پایگاه ها و نیروهای نظامی و جاسوسی خود را از افغانستان به ایران انتقال دهد و از طریق خاک ایران کشور افغانستان و خاور میانه را زیر سلطه و سیطره خود در آورد.

چندی پیش بین یک هیئت طالبان و یک هیئت از رژیم اسرائیل با حضور نمایندگان آی اس آی در پایتخت اردون یک سلسله مذاکرات نیمه سرّی رخ داده و اسرائیلی ها با کسب توافق طالبان تحت سرکردگی ملا هیبت الله جهت حمله بالای ایران با حاکمیت طالبان در افغانستان توافق کرده اند. اما ایران، با آگاهی یافتن از طرح رژیم های ترامپ و اسرائیل علیه رژیم موجود در تهران، کوشش می کند تا مانع تطبیق برنامه صلح امریکا و توافق اسرائیل با طالبان گردد. جالب است که امریکا و اسرائیل موازی با به بازی گرفتن طالبان و رژیم ع و غ کوشش دارند که نیروهای داعش به طور کلی در سطح افغانستان نابود نشوند تا در آینده از آن نیروها از طریق به راه انداختن جنگ های نیابتی جدید علیه مخالفان خود در افغانستان و سطح آسیای مرکزی استفاده کنند.

اما حمله بالای ایران بزرگترین ضربه اقتصادی را به افغانستان و ترکیه وارد خواهد کرد. همچنین حمله بالای ایران از خاک افغانستان موجب جنگ های خونین بین ایران و افغانستان خواهد شد. اگر امریکا و اسرائیل از خاک و هوای افغانستان جهت حمله بالای ایران استفاده کنند، ایران هم از طریق حامیان مسلح خود افغانستان را به جهنمی بدتر از سوریه مبدل خواهد کرد. اسرائیل توافق عمان برای استفاده از حریم هوایی آن کشور را هم کسب کرده است. اسرائیل می تواند با استفاده از حریم هوایی عمان و افغانستان ضربات مهلک را با کاربرد نیروی هوایی خویش به رژیم ایران وارد کند. اما هم اکنون اکثر افراد مسلح و باتجربه لشکر فاطمیون از طریق مرز رسمی بین افغانستان و ایران زیر نام برنامه عودت به وطن به ولایت های هرات، غزنی، جاغوری، بامیان و غرب کابل داخل و در مناطق مورد نظر ایران جاسازی شده اند. حمله طالبان بالای غزنی و به خصوص مالدستان و جاغوری براساس توافق بین امریکا و طالبان انجام گرفته بود که بلاخره طالبان مجبور به ترک آن مناطق گردیدند، چون نیروهای لشکر فاطمیون زیر لوای نیروهای مسلحی مردمی دم از روزگار طالبان کشیدند و آنان را مجبور به عقب نشینی نمودند. در جنگ غزنی ارتش افغانستان عمداً به طالبان اجازه داد که با سیاست هزاره کشتی به شهروندان هزاره افغانستان خسارات مالی و تلفات جانی وارد کنند. اما هزاره تباران بیدار شده غزنی با کمال هوشیاری توطئه دشمنان داخلی و خارجی خویش را خنثی کردند.

اما اکنون پاکستان از اقتصاد ورشکسته شده ی خود سخت رنج می برد. اسلام آباد کوشش دارد با بازی ها و ترفندهای سیاسی خاص خود امریکا را مجبور به پذیرش سلطه و سیطره دوباره طالبان بالای افغانستان سازد و موازی با آن تلاش می ورزد رضایت امریکا را در عرصه کمک های مالی به اسلام آباد به دست آورد. پاکستان از تبدیل شدن افغانستان به سوریه دوم بیمناک است. ادامه جنگ در افغانستان برای پنج سال دیگر کمر حیات سیاسی پاکستان را می شکند. اسرائیل کوشش دارد که امریکا با بهانه گیری ها و صحنه سازی های قلدرمآبانه خود تا پایان امسال بالای ایران حمله کند. این جنگ امریکا بزرگترین حمله نظامی آن کشور در تاریخ جنایت ها، تجاوزات و اشغالگری هایش علیه یک کشور اسلامی خواهد بود. در حمله امریکا بالای ایران نه تنها ایرانی ها متقبل خسارات و تلفات سنگین خواهند شد، بل رژیم آخندهای ایران مانند رژیم های صدام حسین و معمر قذافی نابود خواهند گشت، و ملت ایران براساس اهداف اسرائیل، امریکا و بریتانیا و اقمار شان در کشور های عربی به سوی جنگ های تباری، قومی و مذهبی روی خواهند آورد. موازی با نابود شدن رژیم و شهرهای ایران، دول عربی خلیج فارس هم از نعمت ویرانی و بربادی جنگ های تحمیلی ابرقلدر جهان بی بهره نخواهند ماند. جنگ امریکا علیه ایران اقتصاد ترکیه را هم فلج می سازد و بازار کالا های هند و چین را در سطح منطقه برای حداقل یک دهه مختل می سازد. اگر امریکا با کمک اسرائیل، بریتانیا، استرالیا، عربستان سعودی، لهستان، هالند و فرانسه توانایی نابودی رژیم ایران را داشته باشد بی گمان می تواند پس از اشغال آن کشور سلطه و سیطره خود را برای چندین دهه بالای جهان اسلام تحکیم بخشد.

آنچه شگفت انگیز می نماید همانا این نکته است که روسیه هم با تغییر نظام در ایران مخالف نیست، چون روس ها از مطرح شدن ایران در عرصه نظامی، اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه و جهان ناراض هستند. اکنون ایران در بازار فروش سلاح های سبک و سنگین خود را مطرح ساخته که این سیاست ایران موجب خشم امریکا و روسیه شده، چون این دو ابرقلدر جهان فروشندگان اصلی سلاح و تسلیحات نظامی به

کشور های خاورمیانه هستند و ایران را در عرصه مانند زخ بلوط یا موی دماغ خویش می شمارند. ظاهر این نکته هویدا است که روسیه و امریکا در شکل دهی سرنوشت رژیم ها و نظام ها در کشورهای اسلامی نقش کلیدی ایفا می کنند. روسیه و امریکا هرگاه منافع ملی و فرامرزی خود را زیر خطر ببینند، برای رفع و دفع آن خطر، بدون در نظر داشت روابط شان با دول دیگر و قوانین نام نهاد بین المللی متحدانه، عمل می کنند. سرنوشت رژیم های یوگوسلاویا، عراق و لیبی بهترین گواه این همکاری و همدستی دو ابرقدرت جهان در بخش از بین بردن رژیم های است که منافع این دو کشور را در سطح منطقه و جهان به مخاطره می اندازند.

اما رژیم ع و غ با پیشه کردن سیاست یک بام و دو هوا کوشش دارد هم رژیم ایران را راضی نگهدارد و هم از حمایت مالی و نظامی امریکا جهت بقای حیات نامشروع خود استفاده کند. حیات رژیم ع و غ برای امریکا تا جای قابل تحمل است که منافع فرامرزی آن کشور و متحدینش را تحت خطر قرار ندهد. اما امریکا جهت از بین بردن رژیم ایران حاضر است با طالبان با شروطی خاص کنار آید و رژیم ع و غ را فدای سیاست های راهبردی خویش سازد. توافق نامه امنیتی بین امریکا و رژیم ع و غ به مثابه طوق لعنت بر گردن ارگ نشینان کابل تلمبار شده است که نمی توانند آن را از گردن خود دور اندازند و نمی خواهند آن طوق سنگین برگردن شان آویزان بماند. اگر امریکا در طی دور باقی مانده رژیم ع و غ از خاک افغانستان جهت حمله بالای ایران استفاده کند، دشمنی ایجاد شده بین مردم ایران و قوم پشتون افغانستان هرگز رفع شدنی نیست. ناگفته نه باید ماند که رژیم ایران در ظاهر یک قدرت منطوقی است و به ادغام هرات به خاک خود چشم دوخته است و رویایی تشکیل امپراتور امام زمان موهوم خویش را در سر می پروراند. اما برای امریکا ایران نسبت به افغانستان و پاکستان از نظر جغرافیایی سیاسی از اهمیت جوق الجیشی برخوردار است. سرنگون کردن رژیم ایران، اشغال ایران و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده در تهران موقف امریکا را در سطح منطقه و جهان استحکام می بخشد و برای امریکا مجال می دهد تا با کمک کشورهای هم پیمانانش افغانستان، پاکستان، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سودان و سومالی را از وجود احزاب و حرکت های اسلامی پاکسازی نماید و حتی نقشه این کشورها را پس از تغییر نظام ها و رژیم ها شان دگرگون سازد. در طی چهل سال پار بازی اسلامی ساختن دول و نظام های کشورهای اسلامی نامبرده یک بازی استخباراتی دول غربی به سرکردی امریکا و اسرائیل بوده که اکنون قرار است دور اول مرحله نیمه نهایی آن بازی با حمله بالای ایران آغاز شود. اما در طی چهار دهه گذشته امریکا برای تسلط و سیطره کامل بالای کشورهای خاورمیانه با صحنه سازی های راهبردی به رژیم ایران فرصت و مجال داد تا از همه توان خود در جنگ های نیابتی خویش در سطح خاورمیانه استفاده کند. امریکا با هوشیاری کامل توانست توانایی ها و ضعف های قوت ها و تسلیحات نظامی و دستگاه جاسوسی ایرانی را در میدان های جنگ های سوریه، عراق، یمن و بحرین شناسایی کند. اکنون اسرائیل با حملات هوایی و موشکی قوت های ایران را در سوریه زیر زد خود قرار داده است. اما ایران، با آن که سران سپاه پاسداران آن کشور در عرصه توانمندی های نظامی شان بسیار لاف و پتاق می زنند، از ترس جنگ روی در روی با اسرائیل در مقابل حملات آن کشور سکوت راهبردی اختیار کرده است. در صورت که امریکا بالای ایران حمله کند، جنگ حزب الله لبنان و لشکر فاطمیون در برابر امریکا و اسرائیل در همه جبهه ها آغاز می گردد و این نبرد سرنوشت ساز می تواند سرنوشت جهان اسلام را برای حداقل صد سال آینده رقم زند. اما بازندگان اصلی حمله امریکا به ایران در گام نخست افغانستان و در گام دوم لبنان خواهد بود، چون امریکا از افغانستان به صفت تخته خیز علیه ایران استفاده می کند، و اسرائیل هم شاید بتواند با حمایت امریکا و جامعه نام نهاد جهانی حزب الله لبنان را نابود کند، و حتی منطقه غزه را برای چند دهه تحت اشغال نظامی خود درآورد، و به مقاومت فلسطینی ها برای مدت پایان بخشد. اگر طالبان با امریکا کنار آیند و پاکستان با حمله امریکا به ایران همنا گردند آن گاه ما شاهد جنگ های چرکی چندین ساله حامیان ایران علیه افغانستان خواهیم بود و این نکته را نه باید نادیده گرفت که نابودی رژیم ایران هم کار سهل و آسان نیست، ولی زمان بر است و چنین جنگی به نفع مردم، کشور، حیات سیاسی و اقتصاد افغانستان، پاکستان، عراق، ترکیه و ایران نیست. جنگ امریکا علیه ایران زمینه ساز گسترش سیاست جنگ مذهبی بین سنی ها و شیعه ها در سطح جهان اسلام خواهد شد که چنین جنگی در نفس خود به ضرر همه امت اسلامی شمرده می شود. ایران بیش از چهارصد هزار حامی در افغانستان دارد که همه حاضر هستند برای دفاع از رژیم ایران جان خود را قربانی نمایند. اما اگر رژیم ع و غ از هم اکنون بتواند جلو استفاده خاک افغانستان توسط امریکا علیه ایران را سد شود، شاید در بعضی عرصه ها از مداخلات ایران در امور کشوری و لشکری خویش جلوگیری کند و مانع جنگ های مذهبی در قلمرو اشغالی خود شود. ایران هم مانند اسرائیل هوشیارانه با طالبان ارتباط برقرار کرده تا مانع استفاده ابزاری آنان در جنگ های نیابتی امریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و بریتانیا در طی ما ها و حتی سالیان بعدی گردد. اما طالبان به سرکردگی آی اس آی پاکستان اهداف خاص اسلام آباد را تعقیب و مشق می کنند. طالبان در کل از خود اراده، اختیار، آزادی عمل، شخصیت مستقل و برنامه راهبردی ندارند.

رژیم ع و غ می تواند جهت جلوگیری از همکاری و ارتباطات بین رژیم ایران و طالبان با مجاهدین خلق، جدایی طلبان بلوچ، عرب، ترکمن، کرد و شهزاده ایران به تماس شود و حتی برای هیئت های شان دفاتری را در کابل باز کند تا از این طریق افغانستان هم در عرصه سیاسی، نظامی در برابر قلدربانان حاکم بر ایران حرفی برای گفتن و طرحی برای دفاع از تمامیت ارضی خود داشته باشد. حضور افراد سپاه پاسداران در صفوف طالبان در افغانستان هم پرسش برانگیز و هم تشویش آور و هم بر ضد منافع ملی افغانستان است. افغانستان هم باید در امور کشوری و لشکری ایران و پاکستان مداخله کند تا درسی شود برای حاکمان آن دو کشوری قلدربان و حامی دهشت افگنی در افغانستان.

اما امریکا در شرایط حاضر نمی خواهد بقایایی لشکر داعش را در سوریه، عراق و افغانستان نابود سازد، چون بر اساس برآورد های راهبردی قلدربانان - نخبگان امریکایی در صورت به وقوع پیوستن جنگ بین ایران و افغانستان از این نیروهای دهشت افگن علیه رژیم ایران استفاده ابزاری کند. هدف شاخه خراسان داعش تشکیل یک دولت در سرزمین های خراسان قدیم است. اسرائیل هم جهت تغییر نقشه و جغرافیایی کشورهای افغانستان، پاکستان و ایران خواهان تشکیل کشوری به نام خراسان است. تغییر نقشه افغانستان، پاکستان و ایران موجب تغییر نقشه بسیاری از کشورهای خاورمیانه خواهد شد. از همین رو دول خاورمیانه هم از سیاست های امریکا و اسرائیل در سطح منطقه مشوش هستند و هم از حضور و مداخلات رژیم ایران در امور کشوری و لشکری خویش ناراحت هستند. دول خاورمیانه در حال حاضر خواهان پایان بخشیدن به عمر رژیم ایران هستند، چون از به وقوع پیوستن جنگ رویاروی بین ایران و اسرائیل هراسناک می باشند. دول خاورمیانه از خسارات و تلفات جانبی جنگ بین ایران و اسرائیل می ترسند. اسرائیل هم که از حضور نیروهای هوایی و زمینی پاکستان در جنگ اعراب و اسرائیل کینه به دل دارد از ادامه حیات سیاسی کشور اسلامی و اتمی شده پاکستان سخت نفرت و بیم دارد. اسرائیل بیش از امریکا خواهان تغییر جغرافیایی کشورهای اسلامی نامبرده در بالا است. برای اسرائیل برنامه خلع پاکستان از سلاح اتمی و ممانعت ایران از دست یافتن به سلاح هستوی یا اتمی از اولویت های سیاست راهبردی آن کشور شمرده می شود. اسرائیل در خریدن مغزهای بسیاری از ایرانی های خارج از ایران سرمایه گذاری کرده و اگر رژیم ایران سرنگون ساخته شود، در آن صورت اسرائیل نسبت به امریکا در تعیین سرنوشت کشورهای اسلامی مقیم خاورمیانه به شمول افغانستان و پاکستان نقش کلیدی بازی می کند. نابودی نهضت های اسلامی مربوط به اخوان المسلمین مصر یکی از خواسته های راهبردی اسرائیل در سطح جهان اسلام است. از همین رو است که امریکا طالبان را برای مدیریت اداره بعدی در افغانستان برگزیده اند تا از طریق آنان دم از پستوک احزاب اسلامی نوید گرفته از افکار اخوان المسلمین مصر بکشند. اسرائیل همچنین از آن بیم دارد که اگر ایران به سلاح های هستوی یا اتمی دست پیدا کند و سپس با پاکستان، ترکیه، مصر و اوزبیکستان پیمان های نظامی راهبردی برقرار کند در آن صورت سیاست های اشغالگرانه، بازی ها و جنگ های نیابتی آن کشور به کمک امریکا در سطح خاورمیانه نقش برآب خواهد شد. همچنین اتمی یا هستوی شدن ایران موجب خواهد شد تا ترکیه، مصر و عربستان سعودی هم برای دست یافتن به سلاح های اتمی یا هستوی تلاش کنند. دست یافتن ایران، ترکیه، مصر، عربستان سعودی و حتی اوزبیکستان و سودان به سلاح هستوی یا اتمی در کنار پاکستان موجب پایان بخشیدن به قلدربانان امریکا و متحدینش در جهان اسلام خواهد شد. عربستان سعودی یگانه کشوری مسلمان نشین است که با از بین رفتن رژیم ایران و حمله امریکا بالای آن کشور کاملاً موافق است. اما معلوم نیست که رژیم ع و غ که توانایی تامین امنیت پایتخت افغانستان را ندارد، چگونه در برابر حملات لشکر فاطمیون و سپاه پاسداران پس از حمله امریکا بالای ایران از خاک خود دفاع خواهد کرد؟

آنچه از فحوای مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان افاده می گردد این است که امریکا می خواهد پیش از حمله بالای ایران نیروهای این گروه دهشت افگن را شامل قوت های رژیم ع و غ سازد و لجام قدرت نظام موجود در افغانستان را بر عهده طالبان واگذارد. اما طالبان به دستور پاکستان هنوز با حضور قوت های امریکا در سه پایگاه مهم نظامی موافقت نکرده اند، چون پاکستان حضور امریکایی ها در افغانستان را مخالف منافع دراز مدت خود در سطح منطقه و جهان می شمارند و آگاه است که پس از نابودی رژیم ایران برنامه خلع سلاح آن کشور از بم ها و موشک های هستوی و اتمی در مرحله دوم نیمه نهایی بازی قدرت و سلطه توسط امریکا و اسرائیل تطبیق خواهد شد!

تنها راه حل برای ایران جهت خریدن وقت تا پایان دور رژیم ترامپ همانا گشودن باب مذاکره با امریکا است.